

بررسی و تبیین ژئوپلیتیکی اسلام‌گرایی اعتدالی در سیاست خارجی ترکیه از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۱ میلادی با رویکرد سازه‌انگاری

افشین متقی^۱

استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی تهران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۰۴/۰۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۰۱/۲۹

چکیده

با فروپاشی امپراتوری عثمانی و استعمار باز مانده‌های این امپراتوری توسط غربی‌ها و بیداری اسلامی که در پاسخ به این تحرکات غربی‌ها بود، جهان اسلام به نوعی اسلام‌گرایی سیاسی در قرن بیستم روی آورد. اما در این بین ترکیه با حاکمیت رژیم لائیک کمالیزم جلوی این موج را از ورود به ترکیه گرفت. لیکن در دهه‌های پایانی قرن بیستم این کشور شاهد گرایش‌های اسلامی در سیاست داخلی و خارجی خود شد. نکته جالب توجه، تفاوت این نوع اسلام‌گرایی با اسلام‌گرایی سایر کشورهای اسلامی در جهان اسلام بویژه در حوزه سیاست خارجی ترکیه بود. این تفاوت در گرایش ترک‌ها به اسلام اعتدالی بود. از این رو مقاله حاضر سعی در پاسخگویی به این سوال اساسی دارد که: چه عوامل ژئوپلیتیکی و چگونه سبب اسلام‌گرایی اعتدالی در سیاست خارجی ترکیه از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۱ میلادی شده است؟ لازم به ذکر است که این مقاله از شیوه‌ای توصیفی-تحلیلی بهره برده است.

واژگان کلیدی: ژئوپلیتیک، سازه‌انگاری، سیاست خارجی، ترکیه، اسلام‌گرایی اعتدالی.

مقدمه

همزمان با رشد بیداری اسلامی در مصر، پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی، جمهوری ترکیه در مسیر سکولاریزم غربی قرار گرفت و برخلاف جریانات رو به رشد اسلامی در نقاط مختلف جهان اسلام، جریان کمالیزم به رهبری مصطفی کمال آتاتورک در ترکیه درصدد جدایی دین از دولت و جامعه برآمد. آتاتورک با تک حزبی کردن نظام سیاسی و ایجاد فشار بر جریان‌های مذهبی و روحانیون، عملاً مجراها و کانال‌های انتشار و تسری بیداری اسلامی را به ترکیه گرفت. ترکیه تا چند دهه جدای از اتفاقات جهان اسلام در تعامل با غرب قرار گرفت. یکی از اصول سیاست خارجی این کشور عدم دخال در امور خاورمیانه و مناطق اسلامی دیگر بود، و این نشانگر دوری گزیدن ترکیه از شرق اسلامی و رخدادهای آن است. اما رفته رفته هم جریانات اسلامی به رشد قابل توجهی رسیدند و هم سیستم تک حزبی در ترکیه جای خود را به سیستم چند حزبی داد. بدینوسیله زمینه برای انتشار پدیده‌ی اسلام‌گرایی به ترکیه فراهم شد. در طول دهه‌های ۸۰ و ۹۰ احزاب و جریانات اسلامی رشد زیادی نمودند و سایر جریان‌های مذهبی نیز فعالیت‌های زیادی را شروع کردند. سرانجام در سال ۱۹۹۵ بود که حزب رفاه اسلامی در ترکیه به پیروزی رسید و نجم‌الدین اربکان بعنوان نخست وزیر این کشور برگزیده شد. در ادامه در سال‌های ۲۰۰۲، ۲۰۰۷ و ۲۰۱۱ حزب عدالت و توسعه اسلامی به رهبری رجب طیب اردوغان با اکثریت قاطع آراء، قدرت را در دست گرفت. این رویه، بروز و نمود عینی اسلام‌گرایی را در کشور ترکیه نشان می‌دهد. در این دوره استراتژی نگاه به غرب ترکیه که نتیجه کمالیزم بود به استراتژی تلفیقی نگاه به غرب و شرق مبدل گشت و کشور ترکیه برخلاف سایر کشورهای اسلامی به اسلام‌گرایی اعتدالی در سیاست خارجی خود روی آورد. در این جاست که ضرورت بررسی چگونگی اسلام‌گرایی اعتدالی در کشور ترکیه آنهم از دیدی ژئوپلیتیکی مهم به نظر می‌آید. بنابراین سوال اصلی این پژوهش چنین مطرح می‌گردد: چه عوامل ژئوپلیتیکی و چگونه سبب اسلام‌گرایی اعتدالی در سیاست خارجی ترکیه از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۱ میلادی شده است؟ در مسیر پاسخگویی به این سوال از شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی برای بررسی موضوع استفاده گردیده است. شیوه گردآوری داده‌ها نیز کتابخانه‌ای-اسنادی بوده است.

سازه‌انگاری و رفتار کنشگران سیاسی

سازه‌انگاری رویکردی است که ریشه در علوم اجتماعی دارد و نگاهی سازه‌انگارانه به جهان اجتماعی دارد. بدین معنی که تمامی دانش و پدیده‌های انسانی را اموری برساخته می‌داند که این برساختگی نیز بگونه‌ای اجتماعی و در جریان کنش متقابل بین الذهنی است (سلیمی، ۱۳۸۶: ۳۴). سازه‌انگاری یا برسازنده‌گرایی یکی از نظریه‌های مهم در دهه اخیر در روابط بین الملل است که نه تنها از نظر فهم نوینی که به ما از روابط بین الملل در بعد محتوایی آن می‌دهد، اهمیت دارد، بلکه از این نظر که در عین حال تلاشی است در حوزه فرانظری اهمیت ویژه‌ای دارد (مشیرزاده الف، ۱۳۸۳: ۱۱۵). این نظریه برخلاف نظریه‌های اثبات‌گرایی بحث را از شناخت شناسی^۲ هستی‌شناسی^۳ ارتقا می‌دهد. مباحث هستی‌شناسی بوضوح کانون اصلی توجه سازه‌انگاران را تشکیل می‌دهد (مشیرزاده الف، ۱۳۸۶: ۳۲۴). براین اساس آنها از نظر هستی‌شناسی، واقعیت‌های اجتماعی را اموری ذهنی قلمداد

^۲. Epistemology

^۳. Ontology

می‌کنند که از مجموع قواعد، احکام، انگاره‌ها و ... تشکیل شده است که این مفاهیم در طول زمان و در یک فضای جغرافیایی خاص تکوین یافته اند و متأثر از فرایندهای مختلف بوده اند تا به فرم و ساخت فعلی درآمده اند (رشیدی، ۱۳۸۹: ۳). سازه انگاری در مورد کنشگران معتقد به سرشت اجتماعی آنها می‌باشد به این معنا که این تعاملات، رویه‌ها، هنجارها، ارزش‌ها، فرهنگ، ایدئولوژی، باورهای اصولی، و ایده‌های نهادینه هستند که به هویت آنها قوام می‌بخشند (مشیرزاده الف، ۱۳۸۳: ۱۱۶). ساختارهای اجتماعی نیز نتیجه تعامل هستند. تعامل سبب می‌شود هویت‌های جمعی مختلف بازیگران متفاوت در جریان کنش متقابل و واکنش‌ها و پاسخ‌های مجدد دچار دگرگونی، تغییر و بازتولید شوند. کنشگر در جریان پیگیری منافع خود رفته رفته ناگزیر است در نظام هویتی خود تجدید نظرهایی را قائل شود تا در فضای جدید بهتر بتواند علایق و منافعش را بدست آورد. انسان در چارچوب هستی از پیش موجود، ظاهر می‌شود و در فرایند جامعه پذیری، الگوها و شیوه‌های اندیشیدن و زبان آن را درونی می‌کند و در معانی جمعی مشارکت می‌کند و صاحب افق خاصی می‌شود. او در این افق، به تفسیر و فهم واقعیت می‌پردازد و در جریان این کنش فعالانه، آن را برای خود تعریف کرده، معنا دار و در نهایت می‌سازد. افراد یک جامعه نیز در چارچوب ذهنیت مشترک جمعی خود، واقعیت اطراف (جهان هستی، دیگر جوامع و غیره) را تعریف و دسته بندی می‌کنند و به معنای دیگری می‌سازند و در قالب معناهای ساخته شده به هر جزء با آن به کنش متقابل می‌پردازند (متقی و کاظمی، ۱۳۸۶: ۲۱۲). آری در جریان تعاملات است که کنشگر به فراگیری معانی و رویه مندی‌ها، قواعد و هنجارها و هویت یابی اقدام می‌کند و سپس این عامل در ادامه مسبب کنش‌های بعدی او در جریان تعاملات آتی است. در مسیر این تعامل است که یکی دیگر از گزاره‌های هستی شناسی سازه انگاریان، یعنی مسئله ساختار- کارگزار مطرح می‌شود. سازه انگاریان بر این تاکید دارند که چگونه هنجاری یا اندیشه ای "معنای هویت تک کنشگران و الگوهای فعالیت مناسب اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را که کنشگران یاد شده در پیش می‌گیرند تعریف می‌کنند" (Boli and Others, 1989: 12). برای سازه انگاران ساختار و کارگزار به شکلی متقابل به یکدیگر قوام می‌بخشند. ساختارها به عنوان پدیده‌هایی نسبتاً پایدار با تعامل متقابل است که خلق می‌شوند و براساس آنها کنشگران هویت‌ها و منافع خود را تعریف می‌کنند. ساختار جدا از فرایند یعنی جدا از رویه‌های کنشگران وجود ندارد (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۳۳۰).

تبیین ژئوپلیتیکی رفتار کنشگران در عرصه سیاست خارجی

جغرافیا بعنوان علمی که به بررسی متقابل انسان و طبیعت می‌پردازد، سه سطح: انسان، طبیعت و تعامل را در بر می‌گیرد. بنابراین هم به انسان و نیروهای اجتماعی و هم محیط طبیعی، امکانات و منابع، فرصت‌ها و محدودیت‌های ناشی از آن می‌پردازد (رشیدی، ۱۳۸۹: ۲). بنابراین هم ساختار مادی و محیطی و هم ساختار اجتماعی را که به همراه یکدیگر هویت‌ها را قوام می‌دهند در جغرافیا طرح می‌شوند. در علم جغرافیا تعامل، حلقه پیوند انسان و محیط است چرا که بدون در نظر گرفتن تعامل عملاً فرم‌ها و ساختارهای جغرافیایی که مشروط به تعامل انسان و محیط است شکل نمی‌گیرد. خود انسان و محیط طبیعی و تعامل بین آنها در فضای خاص جغرافیایی واقع شده اند که سبب شخصی سازی تعامل بین انسان و محیط در یک فضای ویژه می‌شود به نحوی که هویت‌های اجتماعی برآمده از هر فضای جغرافیایی با دیگر فضاهای جغرافیایی متفاوت است. این مثال را در بهترین شکل می‌توان در مورد تفاوت

هویتی بین کنشگران سیاسی در عرصه سیاست خارجی در کشورهای مختلف مورد بررسی قرار داد، چراکه فضاهای جغرافیایی ملی هر کشور ساختار اجتماعی و نظام هویتی خاص آن کشور را قوام می‌دهد. بنابراین دولت‌ها در عرصه روابط بین الملل و سیاست خارجی دامنه فضایی جغرافیای ملی خود هستند (رشیدی، ۱۳۹۰: ۱۲۳). بنابراین فضاهای جغرافیایی به واسطه فراهم آوردن بسترهای تعامل متفاوت با یکدیگر زمینه را برای برساختگی هویت‌های مختلف رقم می‌زنند که سبب میشود کنشگران منافع متناسب با نظام هویتی خاص و منتج از فضای جغرافیایی خود پیگیری کنند از اینرو فضاهای جغرافیایی بقول میشل فوکو غیرقابل فروکاست به همدیگر هستند (سوجا، ۱۳۸۷: ۱۷۶) که هویت‌ها و ساختارهای اجتماعی متفاوت را شکل می‌دهند و منفعت جویی کنشگران عرصه سیاست خارجی را متفاوت با یکدیگر قوام می‌دهند که سبب رقابت، دوستی یا دشمنی به تناسب اشتراک یا تضاد در فضاهای جغرافیایی و در نتیجه منافع متعاقب آن بین آنها می‌گردد. در انتها باید گفت سیاست خارجی‌های متفاوت نیز که براساس جغرافیای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی متفاوت است، مجموعه ای از رفتارها و گفتارهایی است که ریشه مکانی و فضایی متفاوت دارند و مجموعاً کردارهای ژئوپلیتیکی قلمداد می‌شوند. کردار به رفتارها و گفتارهای کلامی اطلاق می‌شود که با توجه به ریشه دار بودن آنها در فضاهای جغرافیایی و دامنه فضایی آنها تحت عنوان کردارهای ژئوپلیتیکی آورده می‌شوند (رشیدی، ۱۳۹۰: ۱۱۱). دولت‌ها بعنوان واحدهای سرزمینی و یا حکومت‌های سرزمینی (مجتهدزاده و حافظ نیا، ۱۳۸۶: ۷)، در عرصه سیاست خارجی و روابط متقابل با دیگر کشورها با تکیه بر هویت‌های فضای جغرافیای ملی خود و نیز هویت‌های فضایی که در صحنه بازیگری در فضاهای منطقه ای و جهانی کسب می‌کنند و نیز فرصت‌ها و محدودیت‌هایی که ناشی از واقعیت‌های ژئوپلیتیکی است، شکل رفتاری خود را تنظیم می‌کنند که بنابراین تفسیر رفتارهای بازیگران در سطح بین المللی و سیاست خارجی ریشه ژئوپلیتیکی دارد (رشیدی، ۱۳۹۰: ۱۱۳).

فضای جغرافیایی، تعامل و نیاز متقابل ژئوپلیتیکی

ادوارد اولمن پیشنهاد می‌کند که جغرافیا باید روی تاثیرات متقابل فضایی تاکید کند. یعنی فضا و تاثیرات متقابل فضایی، اساس کار جغرافیا باشد (شکوئی، ۱۳۸۲: ۳۳). بنابراین در این قسمت نگارنده به دنبال بررسی تاثیرات متقابل فضایی واحدهای سیاسی (کشورها) و تاثیر آن بر رفتار بازیگران عرصه ژئوپلیتیکی است. آنچه در این مقاله تحت عنوان تاثیرات متقابل فضای جغرافیایی مورد بررسی قرار می‌گیرد همانند مکتب فضایی در جغرافیا (که ادوارد اولمن نیز از واضحان آن است)، کمی نمی‌باشد و صبغه ای سازه انگارانه و ترکیبی (مرکب از پدیده‌های عینی-ذهنی، معنایی-مادی) دارد.

در بالا به مبحث تعامل در سازه انگاری پرداخته شده است اما باید گفت فضای جغرافیایی مهمترین عنصر در شکل گیری تعامل است. بازیگران هم فضا بیشترین تعامل را با یکدیگر دارند و در نتیجه بیشترین احکام، قواعد و رویه مندی‌ها در بین آنها شکل می‌گیرد. این رویه‌ها سبب می‌شود که بازیگران هم فضا مثلاً در یک فضای منطقه ای یا همسایگی، هویت‌های مشخص تری را نسبت به بازیگران خارج از فضای منطقه ای یا همسایگی در قبال یکدیگر را دارا می‌باشند و از این رو رفتارهای مشخص و شناخته تر و بر مبنای اعتماد بیشتری را نسبت به یکدیگر دارند، که این امر خود سبب تامین امنیت هستی شناختی (یکی از منافع چهارگانه ناشی از هویت در رویکرد سازه انگاری

از نظر ونت است) طبق نظریه وجود انسانی آنتونی گیدنز است. به نظر گیدنز، امنیت هستی شناختی عبارت است از «احساس ایمنی اساسی فرد در جهان که شامل اعتماد و اطمینان پایه ای و اولیه سایر مردم نیز می‌شود. جلب چنین اعتماد و اطمینانی برای اینکه شخص احساس و آرامش روانی خود را حفظ کند و از تشویش و نگرانی جلوگیری کند، ضروری و حیاتی است». به عبارت دیگر، امنیت هستی شناختی، امنیت هستی و وجود است. نوعی اطمینان از اینکه جهان آن گونه است که باید باشد. اعتماد سایر افراد نیز به مثابه ایجاد مصونیت احساسی و هیجانی در برابر تشویش‌ها و نگرانی‌های وجودی است. در واقع امنیت هستی شناختی «حفاظت و حراست از تهدیدات آتی است که به فرد امکان و اجازه می‌دهد تا امید و شهامت خود در برابر هر نوع شرایط مخرب و تضعیف کننده ای که شاید در آینده با آن مواجه شود را حفظ کند» (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۸۸: ۴۶-۴۵). این مبحث بخوبی در سطح بازیگران عرصه ژئوپلیتیک جهانی و منطقه ای نیز صدق می‌کند. انگیزه امنیت هستی شناختی در رفتار سیاست خارجی کشورها از رابطه ی وثیق عدم قطعیت و بی اعتمادی با هویت نشأت می‌گیرد. عدم اطمینان و قطعیت، اقدام و کنش را مشکل می‌کند. از آنجا که توانایی اقدام، پیش شرط و پیش نیاز ضروری هویت است، عدم اطمینان و تردید، احساس خود بودن و حفظ هویت را دشوار می‌سازد. زیرا، کارگزاری نیازمند یک محیط شناختی و معرفتی باثبات است. در شرایطی که یک کشور از خواسته‌های خود خبر نداشته باشد، نمی‌تواند به طور منظم و مرتب بین ابزار و اهداف خود رابطه معنادار برقرار کند و اطمینان و یقین ندارد که چگونه اهداف خود را پیگیری و تأمین کند (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۸۸: ۴۹-۴۸). بنابر آنچه گفته شد هر بازیگر در عرصه بازیگری خود نیاز به اعتماد و اطمینان عمیق دارد. از آنجایی که کشورهای همسایه و یا هم منطقه (یعنی دارای فضای جغرافیایی- تعاملاتی مشترک)، بیشترین سطح تعامل را دارند و کوچکترین تغییرات رفتاری و هویتی طرف مقابل خود را در کوتاهترین زمان در می‌یابند و اقدامات لازم را جهت وفق خود با شرایط جدید برای کسب منفع خود می‌کنند، معمولاً این کشورها از نظر شناخت نسبت به یکدیگر در سطح بالایی نسبت به بازیگران غیر هم فضا قرار دارند و از این رو با شناخت ناشی از تعامل بالایی که خود ریشه در فضای مشترک ژئوپلیتیکی شان دارد بیشترین اعتماد سازی در بین آن‌ها نهادینه می‌شود (رشیدی، ۱۳۹۰: ۱۴۰).

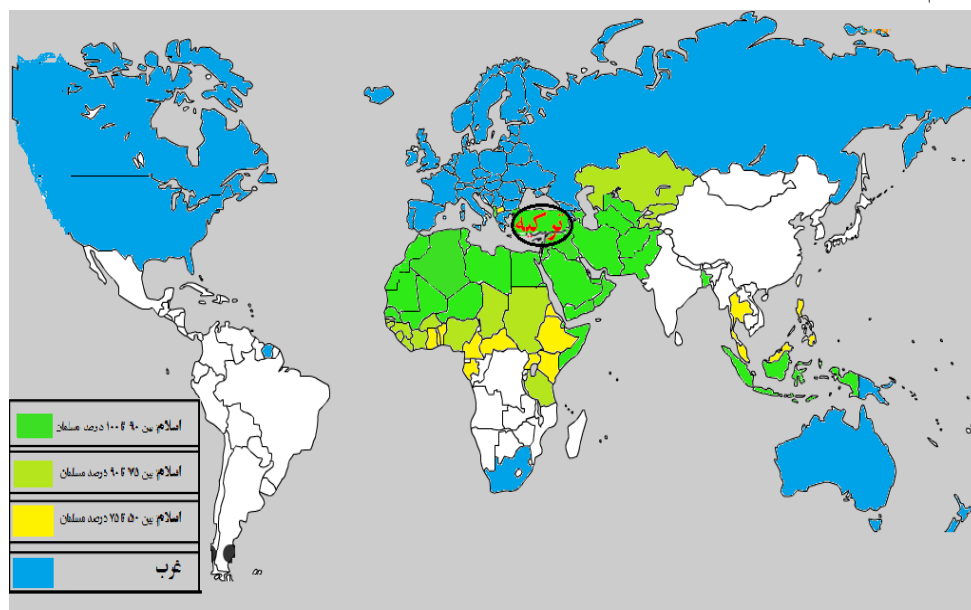
۱- موقعیت ژئوپلیتیکی ترکیه و اصل تسامح و تعادل

کشور ترکیه به دلیل مسلمان بودن مردمش و نیز همجواری با کشورهای جهان اسلام همواره درگیر مسائل این کشورها است و همانطور که قبلاً تشریح شد منافع بسیاری در گرو رابطه با این کشورها دارد. همچنین این کشور در مواجهه با غرب برای ایجاد فشار بر جهان غرب و کسب برخی امتیازات ناگزیر از حداقل تظاهر به اسلام است. این رویکرد را حتی می‌توان در زمان سردمداری احزاب لائیک نیز در سیاست خارجی این کشور مشاهده نمود. حکومت ترکیه، با وجود دولت لائیک و غیرمذهبی بدلائیل بسیار، همیشه سعی داشته و دارد که نقش طراز اولی را در حوزه جغرافیای سیاسی جهان اسلام ایفا کند (کرمی فرد، ۱۳۸۱: ۲۸۴). موقعیت ژئوپلیتیک ترکیه مانع از جدایی کامل کمالیست‌ها در دوران اوج خود، از اسلام بود. درک جایگاه و موقعیت خاص ژئوپلیتیکی سیاستمداران ترکیه سبب شد تا آنها همواره در حوزه سیاست خارجی با تسامح دم از اسلام گرایی بزنند و در مواجهه با کشورهای اسلامی در سکولاریزم و غرب گرایی افراط نکنند. این امر از همان ابتدا سبب تعدیل در رابطه اسلام و غربی گرایی در ترکیه

شد که تا حدودی مانع از ظهور اسلام گرای رادیکال و هدایت آن بسوی اعتدال گشت. بازیگران عرصه ی سیاست خارجی ترکیه با شناختی که از موقعیت و جایگاه ژئوپلیتیکی کشور خود بدست آورده بودند و با توجه به محدودیت‌ها و فرصت‌هایی که فرا روی آن‌ها قرار داشته است، سعی بر دستیابی حداکثری به منافع خود داشته اند. این شخصیت خاص دیپلماسی ترکی سبب ارائه درکی واقع گرایانه از محیط بیرونی براساس امنیت و منافع ملی ترکیه گشته است، که به نوبه خود سبب نوعی محافظه کاری و تسامح در برخورد با بازیگران بزرگی مانند روسیه، اتحادیه اروپا، ایالات متحده یا بازیگران استراتژیکی مانند ایران و اسرائیل گشته است که سبب برساختگی نوعی تعادل در سیاست خارجی ترکیه گشته است. این مسئله در دوران بیداری اسلامی نیز با نوع پذیرش اسلامی سیاسی معاصر در هم آمیخته شد و نوعی اسلام اعتدالی را در سیاست خارجی ترکیه قوام بخشید. بطور کل نوعی انگاره ژئوپلیتیکی با خصیصه ی تسامح و محافظه کاری به نوعی از اسلام اعتدالی تکوین بخشید.

۲- هم فضایی ژئوپلیتیکی ترکیه با جهان اسلام و غرب

کشور ترکیه نظر به موقعیت خاص ژئوپلیتیکی اش که در بالا توضیح داده شد، در حد واسط کشورهای غربی و جهان اسلام واقع گشته است. این کشور نه مانند کشورهای اسلامی همچون ایران، عراق، عربستان و غیره در قلب جهان اسلام واقع شده و نه مانند کشورهای اروپای غربی و ایالات متحده در عمق استراتژیک جهان غرب استقرار یافته است. کشور ترکیه به دلیل تفاوت در موقعیت ژئوپلیتیکی اش با کشورهای حوزه جهان اسلام و غرب، طبعاً خصیصه‌های متفاوت اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و غیره در داخل و شخصیت متفاوتی نیز در عرصه سیاست خارجی از خود دارا است. بنابراین ترکیه بر اساس این وضعیت بخصوص ژئوپلیتیکی و استقرار در حفاصل جهان غرب و اسلام با مسائل دو قلمرو بصورت همزمان درگیر است و ناگزیر از مشارکت در دو جبهه است. هم فضایی ترکیه با جهان غرب و اسلام سبب شده تا بطور همزمان متأثر از دو جبهه باشد و شخصیتی که برآیند این آمیزش ژئوپلیتیکی اسلام و غرب است را از خود به نمایش بگذارد.



نقشه شماره ۱: موقعیت ژئوپلیتیکی ترکیه در حد واسط جهان اسلام و غرب

۱-۲- جهان اسلام و بیداری اسلامی در حوزه بازیگری ترکیه

یکی از مسائلی که ترکیه در اثر همجواری با جهان اسلام از آن متأثر گشته است، مسئله خود اسلام و بیداری اسلامی در حوزه بازیگری ترکیه در جهان اسلام است. اسلام گرایی یا بیداری اسلامی و یا اسلام سیاسی در دوران معاصر کشور ترکیه را نیز مانند هر کشور دیگر اسلامی تحت تأثیر قرار داد، اما کیفیت این تأثیر پذیری متفاوت از دیگر کشورهای اسلامی بود. از اواخر قرن نوزدهم و از اوایل قرن بیستم بود که در اثر استعمار غرب و حاکم شدن افراد غیر مذهبی بر کشورها و ممالک اسلامی گروهی از روشنفکران و علمای اسلامی متوجه خواب عمیقی شدند که جوامع اسلامی در آن فرو رفته بودند. این افراد یعنی اندیشمندان و علما و روشنفکران اسلامی که متوجه انحراف در جوامع اسلامی و نقشه‌های غرب برای ایجاد سردگمی و سرسپردگی جوامع اسلامی شده بودند بر طبل بیداری زدند و بوسیله آثار علمی، دینی و ادبی و نیز تشکیل سازمان‌ها و جنبش‌های اسلامی صدای خود را به گوش برادران مسلمان خود رساندند. از نظر جنبش یا خیزش یا بیداری اسلامی، امروزه جهان بواسطه تصدی گری کسانی که تابع دستورات الهی نیستند به جاهلیت و نظمی مبتنی بر جاهلیت دچار گشته است. امروز جوامع از این نظر جاهلی هستند که زیر چتر جاهلیت قرار دارند، چتری که قوانین غیرالهی را بر جامعه حاکم کرده است. چتری که باعث گمراهی تمام کسانی شده است که زیر سایه‌ی آن قرار گرفته‌اند، حتی مبلغانی که برای اسلام تبلیغ می‌کنند! قضاوت کردن درباره‌ی چنین مردمانی _ همان‌گونه که پیامبر اکرم (ص) توضیح داده‌اند _ بستگی دارد به موضعی که در قبال جاهلیت اتخاذ کرده‌اند! هرکس بدان رضایت دهد، جزو آنان به حساب می‌آید و هرکه آن را بپذیرد، حکم خاص خود را دارد (قطب، ۱۳۷۴: ۱۷۳-۱۷۲).

براساس این عقاید بود که نهضت و نوزایی در میان مسلمانان شکل گرفت و از سه نقطه قوی؛ مصر، ایران و عربستان شروع و به سایر نقاط در جهان اسلام تسری و انتشار یافت.

۱) دانشگاه الازهر و اثرگذاری آن (مرکز پخش جغرافیایی اندیشه‌ها: مصر)؛

۲) نهضت اخوان المسلمین (مرکز انتشار و پخش جغرافیایی: مصر) و شاخه‌ها و اخلاف آن در جهان اسلام؛

۳) انقلاب اسلامی ایران (مرکز انتشار و پخش جغرافیایی: ایران) و جنبش‌های برآمده از آن؛

۴) سلفی‌ها، القاعده (مرکز انتشار و پخش جغرافیایی: عربستان سعودی) و اعقاب آن بعنوان گروه‌های تندرو و بعضاً انحرافی.

در این بین کشور ترکیه نیز با توجه به وجود مردم مسلمان با هویتی اسلامی، وجود طریقت‌های ریشه دار و با طرفداران فراوان مانند طریقت‌های نورجی‌ها، مولویه، بکتاشیه، قادریه، سلیمانیه و در ادامه جنبش‌های قوی مانند نهضت فتح الله گولن و نیز بواسطه ظهور رسانه‌ها و کانال‌های انتقال بیداری اسلامی به عنوان پدیده‌ای در حال پخش، این کشور نیز تحت تأثیر اسلام گرایی قرار گرفت و در سال ۱۹۹۵ این گرایش به اسلام با پیروزی حزب رفاه در انتخابات و نخست وزیری نجم الدین اربکان و در ادامه پیروزی‌های سه گانه حزب عدالت و توسعه اسلامی ترکیه به رهبری رجب طیب اردوغان در سال‌های ۲۰۰۲، ۲۰۰۷ و ۲۰۱۱ میلادی در انتخابات پارلمان ترکیه، نمود سیاسی و رسمی یافت. زمینه‌های جغرافیای فرهنگی خاص ترکیه که متفاوت از کشورهای غربی بود سبب فراهم

شدن پیش زمینه‌هایی برای پذیرش بیداری اسلامی در کشور ترکیه شد و این ناشی از هم فضایی ترکیه با جهان اسلام و نیز ریشه مندی جغرافیایی - فرهنگی ترکیه در قلمرو جهان اسلام است. بر اثر این تعامل فضایی ترکیه با جهان اسلام بود که بوسیله کانال‌های انتقال پدیده در حال پخش بیداری اسلامی، ترکیه متأثر از این مسئله شد.

۲-۲- جهان غرب و اثر گذاری ناشی از هم فضایی

ترکیه همانطور که در مجاورت و هم فضایی با جهان اسلام قرار دارد و متأثر از جریان‌ها و پدیده‌های در حال پخش در جهان اسلام است، از انتشارات فضایی در جهان غرب نیز متأثر است. بحث سکولاریزم و انسان گرایی و جایگزینی قوانین این دنیایی و انسانی به جای قوانین الهی و توسعه جوامع غربی سبب ایجاد پارادایمی عظیم در برابر دین گرایی سیاسی در دوران سنتی گشت. نقطه نضج این پدیده در جهان غرب بود و ترکیه نیز در اثر تعامل ناشی از هم فضایی با این پدیده مواجه گشت.

پس از به قدرت رسیدن آتاتورک مذهب یکی از مهمترین موانع توسعه اقتصادی و اجتماعی ترکیه شناخته شد و آتاتورک سعی کرد با استفاده از زمینه‌های موجود، اما به تدریج اهداف خود را جامه عمل بپوشاند. وی در نخستین گام دست به تصفیه ساختار سیاسی از وجود هر نوع گرایش اسلامی زد. با اهدافی که آتاتورک در نظر داشت وجود حکومتی که خلیفه در رأس آن بوده و بعنوان رهبر مسلمانان جهان تلقی می شد، مانع بزرگی بحساب می آمد. وی به این نتیجه رسیده بود که با توجه به افکار عمومی مسلمانان دیگر کشورها بایستی قدم‌های خود را آهسته بردارد هرچند هدف نهایی او در اصلاح ساختار سیاسی الغای خلافت و اعلام جمهوری بود (Bayder, 1995: 50). یکی از مهمترین اهداف اصلاحات کمالیزم، جایگزین کردن فرهنگ غربی به جای اسلام گرایی، گرایش به اروپائیان بود. آتاتورک درصدد آن بود که قدرت نهادهای اسلامی و سبب‌های اجتماعی گذشته را درهم بشکند (Toprak, 1988: 121). در قانون اساسی مصوب ۱۹۲۸، اسلام به عنوان دین رسمی حذف گردید و دولت ۱۹۳۷ رسماً سکولاریزم را بعنوان مبنای اساسی حکومت اعلام کرد. در سال ۱۹۲۶ قوانینی غیر مذهبی جانشین قوانینی اسلامی گردید. (Yalman, 2009: 43). در اثر این سیاست‌های سکولاریزه کردن ترکیه، شخصیتی متفاوت از گذشته برای این کشور ترسیم شد. ترکیه یک کشور اسلامی است اما سیستم سیاسی آن مبتنی بر ایدئولوژی اسلامی نیست. سیستم ترکیه بر جدایی دین از سیاست استوار بوده و براساس سکولاریزم پایه گذاری شده است. ترکیه یکی از کشورهای اسلامی است که دارای گرایش‌های غربی است و اتخاذ مواضع غربی در ترکیه رسم نبوده است. ترکیه در مورد فرایند غربی شدن و عدم تناقض آن‌ها با ارزش‌های درونی و سنتی جامعه و همچنین فرهنگ و میراث تاریخی خویش تا حدودی به یک اجماع و اقعان نسبی رسیده است و توانسته است بطور نسبی مدرنیزه شدن و ارزش‌های سنتی جامعه را با هم جمع کند (Lesser, 2007: 65).

معنای سکولاریزم در ترکیه اصولاً بی دینی نیست، بلکه چنین معنایی را لائیسیزم می‌رساند که بر غیر سیاسی کردن کامل دین تأکید دارد و سکولاریزم در ترکیه کوششی بود برای ارتقای یک عقلانیت بشری و اسلامی تنویر یافته. دین یک نهاد اجتماعی زنده است که باید به نیازهای زندگی جمعی در سطح وسیعی پاسخ گوید و برای این کار باید گام به گام با تغییرات سیاسی و اجتماعی و توسعه همراهی نماید (Lewis, 2007: 231). این امر در طول زمان تا حدود زیادی سبب نهادینه شدن سکولاریزم در ترکیه شد. ترک‌ها در جریان ظهور اسلام گرایی، اسلام را

فرهنگ بومی خود می‌دانستند اما با سکولاریزم و فرهنگ غربی نیز بیگانه نبودند. متولدین دوران کمالیزم در ترکیه سکولاریزم و غربی‌گرایی را جزیی از فرهنگ ترکیه می‌دانند. این نوع تصور یک ملت سبب برساختگی نوعی اعتدال ناشی از آشتی اسلام و دموکراسی غربی شده که نتیجه آن ارائه مدل اسلام‌گرایی اعتدالی در جامعه ترکیه و بازتاب آن در تعامل آنها با بیرون و در عرصه‌ی سیاست خارجی است. موقعیت خاص ژئوپلیتیکی ترکیه و در نتیجه قرار گرفتن این کشور در هم‌فضایی مشترک با جهان اسلام و غرب و تعامل و اثرپذیری متقابل به دو حوزه، سبب برساختگی هویت خاص و ترکیبی و متفاوت از دو جبهه (اسلام‌گرایی محض در جهان اسلام و غرب‌گرایی محض در غرب)، و در نتیجه تکوین نوعی رویکرد اسلامی-غربی اعتدالی در طی زمان و مخصوصاً از دهه ۹۰ تا کنون گشته است.

۳- نیاز متقابل ژئوپلیتیکی ترکیه به جهان اسلام و غرب

نیاز متقابل ژئوپلیتیکی نیز از سلسله عوامل ژئوپلیتیکی اسلام‌گرایی در سیاست خارجی کشور ترکیه است. تعادل در نیازهای ژئوپلیتیکی در جبهه‌ی اسلامی و غربی برای ترکیه بیانگر وضعیت خاص ژئوپلیتیکی ترکیه است که سبب تعادل در رویه‌های گزینش مدل و الگوی اسلام‌اعتالی شده است.

۳-۱- نیاز ژئوپلیتیکی به جهان اسلام

برای توضیح نیازهای ژئوپلیتیکی ترکیه به جهان اسلام لازم است به چند مسأله مهم در این زمینه اشاره شود. یکی از این مباحث، مبحث انرژی و نیاز شدید ترکیه به مناطق انرژی جهان اسلام است. کشور ترکیه، کشوری در حال توسعه است که با روی کار آمدن اسلام‌گرایان حزب عدالت و توسعه و رونق اقتصادی و ارتقای زیربنای اقتصادی برای جوابگویی به ظرفیت‌های پیدا شده جدید اقتصادی نیاز به مصرف انرژی بیشتری از قبیل نفت و گاز است. این عامل در جمع با تلاش ترکیه برای استقلال انرژی به روسیه بهتر قابل تعریف است. تا سال ۲۰۰۴ حدود ۹۰ درصد انرژی ترکیه را روسیه تأمین می‌کرد (Lenore, and Keridis, 2004: 216) و ترکیه به شدت در راستای امنیت تأمین انرژی در فکر بازارهای جدید انرژی است که خاورمیانه و آسیای مرکزی (یزدانی و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۵۰)، و حوزه خزر بهترین و مقرون به صرفه‌ترین بازارهای تأمین انرژی برای ترکیه هستند. کشور ترکیه در منطقه خاورمیانه منافع زیادی در رابطه با انرژی دارد. این منطقه بزرگترین منطقه انرژی جهان است و بیشترین ذخایر نفتی و درصد بالایی از ذخایر گاز در این منطقه متمرکز شده است.

جدول شماره ۱: میزان ذخایر، تولید و مصرف نفت در کشورهای حوزه ی خلیج فارس و خاورمیانه در مقطع زمانی ۱۹۹۶ و ۲۰۰۹

کشور	سال			۱۹۹۶		۲۰۰۹		
	ذخایر (میلیارد بشکه)	تولید (هزار بشکه در روز)	مصرف (هزار بشکه در روز)	ذخایر		تولید		مصرف
				درصد از کل	میلیارد بشکه	درصد از کل	هزار بشکه در روز	
ایران	۹۲/۶	۳۷۵۹	۱۲۹۲	۱۳۷/۶	۱۰/۳	۴۲۱۶	۵/۴	۱۷۴۱
عراق	۱۱۲/۰	۵۸۰	-	۱۱۵	۸/۶	۲۴۸۲	۳/۲	-
کویت	۹۶/۵	۲۱۲۹	۱۲۶	۱۰۱/۵	۷/۶	۲۴۸۱	۳/۲	۴۱۹
قطر	۳/۷	۵۶۸	۳۸	۲۶/۸	۲	۱۳۴۵	۱/۳	۲۰۹
عمان	۵/۳	۸۹۷	-	۵/۶	۰/۴	۸۱۰	۱	-
عربستان	۲۶۱/۴	۹۲۹۹	۱۳۳۶	۲۶۴/۳	۱۹/۸	۹۷۱۳	۱۲	۲۶۱۴
امارات	۹۷/۸	۲۴۳۸	۳۴۷	۹۷/۸	۸/۳	۲۵۹۹	۳/۲	۴۵۵
کل خلیج فارس و خاورمیانه	۶۶۹/۳	۱۹۶۶۹	۳۱۳۸	۷۵۴/۲	۵۶/۶	۲۴۳۵۷	۳۰/۳	۷۱۴۶
کل جهان	۱۰۴۹	۶۹۹۳۱	۱۸۹۵۹	۱۳۳۳/۱	۱۰۰	۷۹۹۴۸	۱۰۰	۸۴۰۷۷

منبع: (BP Statistical Review of World Energy, 2009) و اخباری و دیگران، ۱۳۹۰: ۹۶.

جدول شماره ۲: میزان ذخایر اثبات شده گاز منطق خلیج فارس و خاورمیانه

کشور	سال			۱۹۹۶		۲۰۰۹		
	ذخایر (تریلیون متر مکعب)	تولید (میلیارد متر مکعب)	مصرف (میلیارد متر مکعب)	ذخایر		تولید		مصرف
				درصد از کل	تریلیون متر مکعب	درصد از کل	میلیارد متر مکعب	
ایران	۲۳	۳۹	۳۸/۹	۲۹/۶	۱۵/۸	۱۳۱/۲	۴/۴	۱۳۱/۷
عراق	۳/۳۶	-	-	۳/۱۷	۱/۷	-	-	-
کویت	۱/۴۹	۹/۳	۹/۳	۱/۷۸	۱	۱۲/۵	۰/۴	۱۳/۴
قطر	۸/۵۰	۱۳/۷	۱۳/۷	۲۵/۳۷	۱۳/۵	۸۹/۳	۳	۲۱/۱
عمان	۰/۶۲	۴/۴	-	۰/۹۸	۰/۵	۲۴/۸	۰/۸	-
عربستان	۵/۶۹	۴۴/۴	۴۴/۴	۷/۹۲	۴/۲	۷۷/۵	۲/۶	۷۷/۵
امارات	۵/۷۸	۳۳/۸	۲۷/۲	۶/۴۳	۳/۴	۴۸/۸	۱/۶	۵۹/۱
کل خلیج فارس و خاورمیانه	۴۸/۵۹	۱۵۲	۱۳۳/۴	۷۶/۱۸	۴۰/۶	۴۰۷/۲	۱۳/۶	۳۴۵/۶
کل جهان	۱۴۷/۸۹	۲۲۲۷/۹	۲۲۴۷/۸	۱۸۷/۴۹	۱۰۰/۰	۲۹۸۷	۱۰۰/۰	۲۹۴۰/۴

منبع: (BP Statistical Review of World Energy, 2009) و اخباری و دیگران، ۱۳۹۰: ۹۷.

منطقه آسیای مرکزی و حوزه خزر نیز یکی از مناطق بزرگ انرژی جهان است که حجم عظیمی از گاز طبیعی و نفت را دار است.

جدول شماره ۳: مجموع ذخایر اثبات شده نفت کشورهای حوزه خزر و ذخایر اثبات شده نفت دریای خزر

کشور	مجموع ذخایر اثبات شده کشور	ذخایر اثبات شده منطقه خزر	
		عمیق	کم عمق
آذربایجان	۹۵۹	۹۵۹	۹۵۹
ایران	۱۸/۶۶۷	۱۴	۱۴
قزاقستان	۴/۱۱۰	۱/۲۳۲	۵/۴۷۹
روسیه	۸/۱۲۹	۴۱	۴۱
ترکمنستان	۸۲	۷۵	۲۳۳
ازبکستان	۸۱	۴۱	۸۱
مجموع	۳۲/۰۲۸	۲/۳۶۲	۶/۸۰۷

(منبع: (EIA, Caspian Sea region, Survey of Key Oil and Gas Statistics and Forecasts, July 2006

و (Oil and Gas Journal, World Proven Reserves of Oil, January 2007)

منابع گازی منطقه خزر از جمله منابع انرژی هستند که کشور ترکیه برنامه ریزی بسیاری برای بهره مندی از این ذخایر انجام داده است.

جدول شماره ۴: پتانسیل گاز تولیدکنندگان منطقه خزر (میلیارد متر مکعب)

مجموع	ازبکستان	ترکمنستان	قزاقستان	آذربایجان	
۴۴۰۸	۱۶۹۴	۲۰۲۳	۲۶۵	۴۲۶	میزان استخراج
۹۹۹۰	۱۶۲۰	۴۰۰۰	۳۰۰۰	۱۳۷۰	ذخائر
۱۱۹۰۰	۱۵۰۰	۶۰۰۰	۲۵۰۰	۱۹۰۰	منابع
۲۶۲۹۸	۴۸۱۴	۱۲۰۲۳	۵۷۶۵	۳۶۹۶	پتانسیل کلی
۱۷	۳۵	۱۷	۵	۱۲	میزان استهلاك (مصرف تاکنون) (%)

(منبع: BGR, Reserven, P.27)

خطوط لوله انتقال انرژی نیز از مسائل مهم در توجه ترکیه به کشورهای اسلامی است. کشورهای خاورمیانه، آسیای مرکزی و حوزه خزر برای انتقال انرژی به اتحادیه اروپا و کشورهای غربی دیگر به مسیر ترکیه علاقه مندند. ترکیه بواسطه قرار گیری در مسیر شرق به غرب دارای مزیتی بزرگ در بحث انتقال انرژی است. این امر سبب همگرایی ترکیه با کشورهای اسلامی جهت دستیابی به توافقاتی برای انجام پروژه‌های بزرگ انتقال انرژی شده است. علاوه بر مبحث انرژی، مباحث دیگری در نیازمندی ترکیه به کشورهای جهان اسلام مطرح است. از جمله این نیازها می‌توان به مباحث تجاری- اقتصادی، امنیتی و سیاسی اشاره کرد. انعکاس تلاش‌های ترکیه برای فعال شدن هرچه بیشتر در خاورمیانه را باید در تلاش‌های این کشور در تقویت روابط با ایران و سوریه دید. در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ روابط آنکارا با دمشق و تهران تحت تأثیر عواملی چون حمایت‌های ایران و سوریه از پ ک ک و تلاش برای ایجاد بی ثباتی در ترکیه به تیرگی گرائید. اما منافع مشترک این سه کشور در مهار ناسیونالیسم کردی و جلوگیری از شکل‌گیری یک دولت مستقل کرد در طول مرزهایشان در سال‌های اخیر سبب بهبود روابط شده است (لارابی، ۱۳۸۶: ۷۴).

امروزه شرایط کنونی منطقه خاورمیانه با گذشته متفاوت است؛ سوریه برخلاف گذشته از دشمنی دیرینه خود با ترکیه دست برداشته است و تحت فشارهای آمریکا، عبدالله اوجلان، رهبر حزب کارگران کردستان ترکیه را از خاک خود بیرون راند و همین اقدام سبب شد تا نیروهای ترکیه وی را دستگیر و زندانی کنند. صدام حسین که با ترکیه سر دشمنی داشت از میان رفته است؛ هر چند اوضاع جدید عراق و نا آرامی‌های آن و خودمختاری کردهای این کشور ترکیه را تهدید می‌کند. آنکارا از آن بیم دارد که کردهای عراق احساسات جدایی خواهانه کردهای ترکیه را تحریک کنند. ایران نیز طی دهه ی گذشته سیاستی پراگماتیک نسبت به همسایگان در پیش گرفته است. بدین ترتیب خیال ترکیه از بابت این سه همسایه آسوده تر شده است. همین تحولات سبب شده است تا میزان وابستگی ترکیه به آمریکا کاهش یابد و ترکیه مناسبات خود را با سوریه، ایران و عراق بیش از پیش بهبود بخشد. در مقابل، مناسبات ترکیه با اسرائیل در مقایسه با دهه ی ۱۹۹۰ رو به کاهش گذاشته است. در واقع ضرورت‌های استراتژیک که در گذشته ترکیه را به داشتن روابط نزدیک با اسرائیل ناگزیر می‌ساخت، امروزه دیگر به شدت قبلی وجود ندارد (رضازاده، ۱۳۸۸: ۱۲۵-۱۲۴). کشور ترکیه با ایران در مسائل امنیتی مانند مسئله کردها و گروه‌های تروریستی پ ک ک و پژاک و نیز مسائل عراق و تهدیدات شمال عراق که متوجه دو کشور است و نیز در بحث جهان اسلام و مسئله

فلسطین و هم چنین تبادلات تجاری- اقتصادی همگرایی بالایی دارند (رضازاده، ۱۳۸۸: ۱۳۷-۱۲۷ و www.Kurdish-info.net و فردی پور و قرشی، ۱۳۸۶: ۶-۴ و سبحانی پور، ۱۳۸۳: ۸۹). روابط ترکیه با سوریه نیز در سال‌های گذشته به میزان چشمگیری افزایش یافته است. هرچند در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ دو کشور روابطی پرتنش را تجربه کردند، اما تهدید ترکیه به حمله به سوریه در صورت ادامه یافتن حمایت‌های دمشق از پ ک ک، در اکتبر ۱۹۹۸ بحران را در روابط دو کشور به اوج رساند. سوریه در برابر برتری نظامی ترکیه از مواضع خود عقب نشست و دست به اخراج عبدالله اوجالان، رهبر پ ک ک، و بستن اردوگاه‌های تمرینی این گروه زد. این تغییر موضع دمشق، راه را برای بهبود تدریجی روابط هموار کرد. سفر ژانویه ۲۰۰۵ بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه، به ترکیه اولین سفر در نوع خود از زمان استقلال سوریه در ۱۹۴۶ به شمار می‌رفت، دیگر جایی برای شک و تردید در آشتی در روابط دو کشور باقی نگذاشت (لارابی، ۱۳۸۶: ۷۵).

از زمانی که حزب عدالت و توسعه رهبری را به دست گرفته، تغییراتی در نوع نگاه ترکیه نسبت به اسرائیل بوجود آمده و آنکارا سیاستی فعال‌تر را به نفع فلسطینی‌ها درپیش گرفته است. اردوغان با «تروریسم دولتی»^۴ خواندن سیاست‌های اسرائیل در کرانه باختری و نوار غزه، آشکارا به انتقاد از سیاست‌های اسرائیل در این مناطق پرداخته و در عین حال، دست به ایجاد پیوندهایی نزدیک تر با رهبران فلسطینی زده است. چند هفته پس از برگزاری انتخابات در سرزمین‌های اشغالی فلسطین در ژانویه ۲۰۰۶، آنکارا را میزبان یک هیأت عالی رتبه حماس به رهبری خالد مشعل بود. اردوغان امید داشت با دست زدن به چنین اقدامی، توانایی ترکیه را برای ایفای نقش فعال‌تر در منطقه افزایش دهد. رجب طیب اردوغان در جریان انتخابات پارلمان ترکیه در ۱۲ ژوئن ۲۰۱۱ که به پیروزی قاطع حزب عدالت و توسعه برای سومین بار گشت چنین گفت: این پیروزی را به مسلمانان و مردم سرزمین‌های اشغالی هدیه می‌دهم. پیروزی حزب عدالت و توسعه در ترکیه، در واقع پیروزی قدس اشغالی، کرانه باختری، نابلس و غزه است (روزنامه اطلاعات، ۱۳۹۰: ۱۶).

علاوه بر خاورمیانه، ترکیه اهداف اقتصادی را در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز دنبال کرد که عبارت بودند از دسترسی به بازارهای وسیع مصرف، استفاده از نیروی کار ارزان و مواد خام، اجرای نقش واسطه برای سرمایه گذاری غرب - طبیعتاً روابط ترکیه با همه کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز یکسان نیست (حافظ نیا و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۰۱). به عنوان مثال تاجیکستان که مردمش ترک زبان نیستند و از جهت اقتصادی نیز امکاناتی محدود دارد از نظر ترکیه اهمیت کمتری دارد تا ازبکستان که پر جمعیت‌ترین کشور منطقه است، از ثبات سیاسی بیشتری برخوردار است و امکانات اقتصادی گسترده دارد. ترکیه از نظر حضور در منطقه آسیای مرکزی و سرمایه گذاری در این منطقه جایگاه اول را دارد. حدود ۵۰۰ شرکت در این کشورها ثبت شده اند و ۷۰۳ طرح به ارزش ۶ میلیارد دلاری را در دست اجرا دارند. بیش از هفت هزار شهروند ترک در ترکمنستان مشغول فعالیت هستند و بدین ترتیب، ترک‌ها بیشترین اتباع خارجی این کشور را تشکیل می‌دهند (زبیب، ۱۳۷۳: ۷۶).

4. State terrorism

تمامی مباحثی که در بالا مطرح شد کشور ترکیه را ناگزیر از گرایش به سمت جهان اسلام و تقویت نگاه به شرق نموده است و این کشور حاضر نیست کارت‌های پر مزیت کشورهای جهان اسلام را با هیچ کارت دیگری معامله کند.

۳-۲- نیاز ژئوپلیتیکی به غرب

اتحادیه اروپا

از زمان تأسیس جمهوری ترکیه، نزدیکی به مجموعه غرب و بویژه اروپا، اولویت اصلی سیاست خارجی این کشور بوده است. برای آتاتورک و ترک‌های جوان، اروپا مظهر تمدن و پیشرفت و اروپایی شدن هدف نهایی تعریف شده بود. وضعیت جغرافیایی ترکیه به گونه‌ای است که می‌تواند بحران‌های خاورمیانه و قفقاز را سریعاً به اروپا منتقل نماید؛ ترکیه به دلیل موقعیت ژئواستراتژیک خود به تلاش‌های اتحادیه اروپایی در سیاست خارجی در خاورمیانه، مدیترانه و آسیای مرکزی و قفقاز ابعاد جدیدی می‌دهد. همچنین توان نظامی ترکیه و قابلیت‌های این کشور برای ایجاد پایگاه نظامی، به نفع سیاست دفاعی و امنیتی اروپاست (قدیری، ۱۳۸۳: ۳۳). شرکت نکردن ترکیه در جنگ عراق این امیدواری را در میان فرانسه و آلمان ایجاد کرده که در صورت تکرار موارد مشابه می‌توانند از ترکیه برای تضعیف نسبی قدرت چانه زنی آمریکا استفاده کنند. در آینده مشارکت ترکیه در مدیریت بحران، مقابله با جرایم سازمان یافته، مبارزه با مواد مخدر، حفاظت از مرزها، بهداشت عمومی، حفاظت از محیط زیست و تروریسم بین المللی اهمیت حیاتی خواهد داشت. این همکاری‌ها به نوبه خود سیستم‌های اطلاعاتی و نظامی ترکیه را متحول خواهد کرد (قهرمانپور، ۱۳۸۳: ۱۲). همچنین ترکیه در برقراری صلح و ثبات منطقه‌ای، مسئله امنیت، تعادل و تبادل بین اسلام و غرب، ایجاد فرصت‌های اقتصادی برای دو طرف ترکی و اروپایی می‌تواند مزایای زیادی را برای اتحادیه اروپا به همراه داشته باشد و همچنین در این زمینه‌ها نیازهای خود را نیز مرتفع سازد و در مسیر توسعه همه جانبه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و غیره خود گام بردارد (حسینی، ۱۳۸۴: ۷ و نظریگی، ۱۳۸۴: ۵ و دورونسورو، ۱۳۸۶: ۱۰ و افتخاری، ۱۳۸۵: ۱۳۷-۱۳۸ و Kalin, 2005: 5-6).

ایالات متحده آمریکا

علاوه بر اتحادیه اروپا، یکی دیگر از بازیگرانی که نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی ترکیه دارد و بسیاری از اولویت‌های سیاست خارجی ترکیه نسبت به آن مورد بررسی قرار می‌گیرد ایالات متحده آمریکا است. اصلی‌ترین منافع ترکیه در حفظ روابط استراتژیک با آمریکا را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

(۱) نیاز به حمایت‌های اقتصادی و مالی آمریکا، به خصوص در نهادهای مالی مانند بانک جهانی و صندوق بین المللی پول که در حل بحران‌های مالی ترکیه نقش کلیدی ایفا کرده اند؛ (۲) حفظ جایگاه مناسب در ناتو و نظام امنیت دسته جمعی اروپایی؛ (۳) اعمال فشار به اتحادیه اروپا برای پذیرش عضویت ترکیه؛ (۴) استفاده از توان و دانش نظامی آمریکا برای نوسازی سیستم دفاعی ارتش با هدف حفظ برتری نظامی ترکیه نسبت به همسایگان خود (این کار قرار است طی ۱۸ سال آینده با بودجه ای معادل صد میلیارد دلار انجام شود) (Lenore, and Keridis, 2004: 345)؛ (۵) نیاز به حمایت آمریکا در حل بحران قبرس؛ (۶) حضور ترکیه در شکل دهی به آینده شمال عراق

و مسأله کردها؛ ۷) ورود به نظام سرمایه داری و اقتصاد جهانی (قهرمان پور، ۱۳۸۵: ۴۸)؛ ۸) استفاده از اعتبار آمریکا برای کسب امتیازات اقتصادی منطقه مانند خط لوله انتقال نفت باکو- جیحان؛ ۹) احتیاج ترکیه به آمریکا در مقابل هژمونی روسیه در منطقه (به خصوص اوراسیا) (Lenore, and Keridis, 2004: 345)؛ ۱۰) مهار کشمکش‌های قومی کردها و نیز حمایت از مسلمانان بالکان که فقط با حمایت آمریکا میسر است (نصری، ۱۳۸۴: ۱۶۰)؛ ۱۱) بهرمندی از حمایت آمریکا در نفوذ سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و قومی به منطقه آسیای مرکزی و قفقاز (فلاح، ۱۳۸۶: ۱۱۹).

اسرائیل

کشور ترکیه از همان ابتدای ظهور کشور اسرائیل و حتی قبل از آن و در دوران زمینه سازی برای تشکیل دولت یهودی-صهیونیستی در فلسطین روابط نزدیکی با این کشور داشته است. ترکیه تنها هم پیمان منطقه ای اسرائیل در گذشته و حال است. البته این رابطه در برهه‌های زمانی مختلف شدت و ضعف داشته است. از جمله اهداف نزدیکی ترکیه به اسرائیل می‌توان از موارد زیر نام برد:

- ۱- دولتمردان ترک عدم پذیرش این کشور را در جامعه اروپا تحقیری برای مردم خود می‌دانند. لذا، در سال-های اخیر تلاش کرده‌اند از طریق همسویی و همراهی با سیاست‌های آمریکا و اسرائیل در منطقه، از نفوذ این دو کشور در اروپا به نفع خود استفاده کنند. ۲- ترکیه در پی فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی برنامه‌های کوتاه مدت و بلند مدت گسترده‌ای را به منظور گسترش نفوذ در آسیای مرکزی و قفقاز در پیش گرفته است. اما، برای اجرای این برنامه‌ها با کمبود شدید منابع مالی مواجه است. بنابراین، انعقاد پیمان نظامی- اطلاعاتی، که در واقع امتیاز برای تل آویو محسوب می‌شود، می‌تواند حمایت اسرائیل و متعاقب آن کمک‌های مالی آمریکا را برای آن کشور در پی داشته باشد. ۳- ترکیه تلاش می‌کند در استراتژی خاورمیانه‌ای ایالات متحده «نقش دولت محوری» را ایفا کند، اما چون از لحاظ نژادی و ساختار حکومتی با کشورهای عرب منطقه سنخیتی ندارد، اسرائیل را طبیعی‌ترین هم‌پیمان خود می‌یابد تا به کمک آن و ناتو نقش «چکش تعادل» را در منطقه ایفا کند. ۴- گرایش حکومت ترکیه به رابطه با اسرائیل، کنترل اسلام‌گرایی در درون و حاشیه ترکیه را نیز بصورت ضمنی و گاه سریح در بردارد. ۵- ترکیه در داخل کشور در مقابله با اکراد استقلال طلب با مشکلات سیاسی- امنیتی شدیدی دست به گریبان است و نیاز به همراهی اسرائیل دارد. همانگونه که در مفاد پیمان با اسرائیل ۲۲ فوریه ۱۹۹۶ تصریح شده است، با آموزش نیروهای نظامی- امنیتی ترکیه توسط واحدهای اسرائیلی و تجهیز و سازماندهی آن‌ها از طریق دستیابی به بازار تسلیحات و تکنولوژی اسرائیل، آنکارا می‌تواند مهمترین هدف امنیت داخلی خود را از این پیمان تحقق یافته بداند (یکتا، ۱۳۷۵: ۴۷-۴۵).
- ۶- گرایش به اسرائیل برای مقابله با خطر ایران هسته ای (لارابی، ۱۳۸۶: ۷۵ و ۷۴). ۷- فروش آب آشامیدنی به اسرائیل؛ ۸- صدور کالاهای ساخت ترکیه به اسرائیل (Lenore, and Keridis, 2004: 184).

نتیجه‌گیری

از آنچه در مورد بحث اسلام‌گرایی اعتدالی گفته شد مشخص می‌گردد برخی عوامل ژئوپلیتیکی از طریق رابطه معنا داری که با یکدیگر دارند و از طریق برخی رخدادها مانند پدیده پخش و تعاملات ناشی از هم فضایی، سبب

برساخته شدن نوعی اسلام اعتدالی در کشور ترکیه شده است. در ابتدا موقعیت ژئوپلیتیکی کشور ترکیه مورد بررسی است که نظر به استقرار ترکیه در حدفاصل جهان اسلاو غرب و تلاش ترک‌ها برای کسب حداکثری منافع سبب تسامح و محافظه کاری آنها گشته است. این امر در دراز مدت به انگاره ای ژئوپلیتیکی در اذهان بازیگران سیاست خارجی ترکیه مبدل گشته است و بخش از دلیل اسلام گرایی اعتدالی ترک‌ها را در جهت کسب منافع بیشتر با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی شان توجیه می‌کند.

در ادامه به مسئله هم فضایی ترکیه با جهان اسلام و تأثیر پذیری این کشور از بیداری اسلامی در فضای ژئوپلیتیکی جهان اسلام و براساس پیش زمینه‌های داخلی کشور ترکیه می‌رسیم. ترکیه با توجه به همجواری با مناطق اسلامی خاورمیانه و آسیای مرکزی و قفقاز و در اثر رشد بیداری اسلامی و نیز از طریق پیش زمینه‌هایی مانند مسلمان بودن مردم ترکیه و وجود طریقت‌ها و جریان‌های اسلامی، اسلام گرایی معاصر به کشور ترکیه نیز منتشر و بسط داده شده است. اما در مقابل، ترکیه بواسطه هم فضایی و همجواری نیز که با جهان غرب دارد و بومی شدن سکولاریزم در طی چندین دهه در این کشور و در آمیختن آن با فرهنگ مردم عملاً نوعی تعادل در تعامل اسلام و سکولاریزم در ترکیه ایجاد شده است و بازیگران عرصه سیاست خارجی ترکیه نیز در تعاملی دو جانبه با جهان اسلام و غرب به الگویی متعادل و اسلامی-غربی رسیده اند. نیاز متقابل ژئوپلیتیکی ترکیه به کشورهای اسلامی و غربی نیز از دیگر عوامل ژئوپلیتیکی در اسلام گرایی اعتدالی در سیاست خارجی ترکیه است. ترکیه کشوری است در حدفاصل جهان اسلام و غرب و دو جبهه برای ترکیه مزیت‌هایی دارند. کشور ترکیه به لحاظ تأمین انرژی و مسائل امنیتی مانند کردها و شمال عراق و مسئله جهان اسلام به کشورهای جهان اسلام نیازمند است و در زمینه‌های امنیتی، نظامی، اقتصادی و سیاسی به اتحادیه اروپا، ایالات متحده و اسرائیل نیاز جدی دارد. این توازن در نیازها بین جهان اسلام و غرب و ناگزیری ترکیه در تعامل با دو جبهه و سعی در کسب منافع از ارتباط به دو طرف، ترکیه را به سوی نوعی محافظه کاری و تعادل در رفتار سیاست خارجی خود سوق می‌دهد و در نتیجه در بحث اسلام گرایی مانع از افراطی گری شده و مطابق منافع ملی سیاست خارجی ترکیه را به سمت اعتدال در اسلام گرایی برای مثبت بودن نتایج تعاملات با جهان اسلام و غرب سوق می‌دهد. پس نتیجه می‌گیریم که موقعیت ژئوپلیتیکی ترکیه و زمینه‌های داخلی این کشور و هم فضایی با جهان اسلام و غرب و اثر پذیری متقابل از دو جبهه و نیز نیاز متقابل به دو طرف همواره رویه ای محافظه کارانه، متسامح و اعتدالی در رفتار سیاست خارجی ترکیه رقم می‌زند که نتیجه آن تکوین یک اسلام اعتدالی در سیاست خارجی این کشور است.

منابع

اخباری، محمد، (۱۳۸۳)، جغرافیای کشورهای همجوار، ترکیه، انتشارات سازمان جغرافیای وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح.

اخباری، محمد، عطاالله عبدی و حسین مختاری هشی، (۱۳۹۰)، موقعیت ژئوپلیتیک ایران و تلاش‌های آمریکا برای تثبیت هژمونی خود در جهان؛ مطالعه موردی: طرح خاورمیانه بزرگ، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۵.

افتخاری، اصغر، (۱۳۸۵)، رویکرد اروپایی به نظام امنیت بین المللی، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال چهارم، شماره ۱۲.

پرایس، ریچارد و کریستین رئوس اسمیت، (۱۳۸۶)، رابطه خطرناک؟ نظریه انتقادی روابط بین الملل و مکتب برسازی، مجموعه مقالات نو واقع گرایی، نظریه انتقادی و مکتب برسازی، گردآورنده اندرو لینکلتر، ترجمه علیرضا طیب، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

حافظ نیا، محمد رضا، محمود شمس دولت آبادی و محمد حسین افشردی، (۱۳۸۶)، علایق ژئوپلیتیکی ایران در آسیای مرکزی و فرصت‌های پیش رو، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال سوم، شماره سوم.

حسینی، سید محمد، (۱۳۸۴)، ترکیه گذرگاه مهم انرژی، **همشهری دیپلماتیک**، شماره هفتاد.

درونسورو، گیلز، (۱۳۸۶)، اتحادیه اروپا و ترکیه بین ژئوپولتیک و مهندسی اجتماعی، انتشارات تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ش ۲۱۸.

دهقانی فیروز آبادی، سید جلال، (۱۳۸۸)، امنیت هستی‌شناختی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال اول، شماره اول.

رشیدی، مصطفی، (۱۳۸۹)، جغرافیای سازه‌انگاری: هارمونی جغرافیای سیاسی و رویکرد سازه‌انگاری، مجله علمی-دانشجویی رویکرد سیاست و فضا، سال اول، شماره اول، زمستان.

رشیدی، مصطفی، (۱۳۹۰)، کردارهای جغرافیایی و تبیین سیاست خارجی بعنوان کرداری ژئوپلیتیکی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران.

رشیدی، مصطفی، (۱۳۹۰-۱۳۸۷)، جزوه منتشر نشده تحت عنوان جغرافیای سازه‌انگاری: رویکردی نوین در جغرافیا، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران.

رضازاده، سخاوت، (۱۳۸۸)، استراتژی خاورمیانه‌ای ترکیه و محدودیت‌ها و مطلوبیت‌های ایران، سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه ترکیه، پژوهش نوزدهم، مرکز تحقیقات استراتژیک.

روزنامه اطلاعات، (۱۳۹۰)، پیروزی قاطع حزب عدالت و توسعه در انتخابات ترکیه، ۲۴ خرداد ۱۳۹۰.

زیب، رضا، (۱۳۷۳)، مبانی رفتاری سیاست خارجی ترکیه، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

سلیمی، حسین، ۱۳۸۶، «نگرشی سازه‌انگارانه به هویت ملی در ایران»، فصلنامه مطالعات ملی، ۳۱، سال هشتم، شماره ۳، صص ۵۳-۳۱.

سوجا، ادوارد، (۱۳۸۷)، نظریه انتقادی اجتماعی تاریخ: جغرافیا: مدرنیته، مجموعه مقالات مطالعات فرهنگی، ویراستار سایمون دیورینگ، ترجمه نیما ملک محمدی و شهریار وقفی پور، انتشارات تلخون.

سید قطب، (۱۳۸۳)، اسلام و دیگران، ترجمه سیدمحمدشیرازی.

شکوهی، حسین، ۱۳۸۲، اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، جلد اول، انتشارات گیتاشناسی.

فردی پور، سعید و سید یوسف قرشی، (۱۳۸۶)، نقش و جایگاه ترکیه در دیپلماسی دفاعی-امنیتی جمهوری اسلامی ایران، معاونت پژوهشی مطالعات سیاسی، شماره مسلسل ۸۶۲۱، (۱۳۸۶/۰۸/۰۲).

فلاح، رحمت‌الله، (۱۳۸۶)، بررسی منابع چالش در روابط ترکیه با آمریکا، فصلنامه مطالعات استراتژیک جهان اسلام، سال هشتم، شماره ۳۲.

قدیری، نیلوفر، (۱۳۸۳)، ترکیه در اروپا، **ماهنامه همشهری دیپلماتیک**، شماره ۲۸، آبان.

قطب، محمد، (۱۳۷۴)، بیداری اسلامی، ترجمه صباح زنگنه، انتشارات اطلاعات.

- قهرمانپور، رحمن، (۱۳۸۳)، ترکیه و اتحادیه اروپا؛ معضلی دو جانبه، کتاب اروپا ۳، ویژه روابط ایران و اتحادیه اروپا (جلد دوم)، انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- کرمی فرد، رضا، (۱۳۸۱)، تحلیل ژئوپلیتیکی روابط ایران و ترکیه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس.
- لارایی، اف. استغن، (۱۳۸۶)، نگاه دوباره ترکیه به خاورمیانه، ترجمه محمد سلطانی نژاد، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال هشتم، شماره ۲۹، بهار.
- متقی، ابراهیم و حجت کاظمی، (۱۳۸۶)، «سازه‌انگاری، هویت، زبان و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۷، شماره ۴، صص ۲۳۷-۲۰۹.
- مجته‌زاده، پیروز، محمد رضا حافظ‌نیا، (۱۳۸۸)، برابر سازی معنایی واژگان جغرافیایی سیاسی، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال، شماره .
- مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۸۶)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، انتشارات سمت.
- مشیرزاده، حمیرا، (ب) (۱۳۸۳)، گفتگوی تمدن‌ها از منظر سازه‌انگاری، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۳.
- نصری، قدیر، (۱۳۸۴)، آینده سیاست خارجی ترکیه، (معرفی کتاب)، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره ۳.
- نظر بیگی، جعفر (۱۳۸۴)، پیامدهای جهانی و منطقه‌ای عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا، همشهری دیپلماتیک، شماره هفتاد.
- ودایع، علی، (۱۳۹۰)، اردوغان در انتضار تثبیت اقتدار مردمی، روزنامه مردم سالاری، یکشنبه ۲۲ خرداد، ۱۲ ژوئن ۲۰۱۱، شماره ۲۶۵۶.
- ونت، الکساندر، ۱۳۸۴، نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل، ترجمه حمیرا مشیرزاده، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- یزدانی، عنایت‌الله، مجتبی تویسرکانی و سوسن مرادی، (۱۳۸۶)، تبیین ژئوپلیتیکی رقابت قدرت، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال سوم، شماره سوم.
- یکتا، حسین، (۱۳۷۵)، پیمان نظامی، استراتژیک ترکیه و اسرائیل: یک گزارش تحلیلی، مجله سیاست دفاعی، سال چهارم، شماره ۲.

Bayder, Mustafa, (1955), Conversation with Atatürk" Istanbul: Yeditepe Yayinlari.

Boli, John & John Meyer and George Thomas, (1989), Ontology and Rationalization in the Western Cultural Account, in George Thomas et al, (eds): International Structure: Constituting State, Society, and the Individual, London.

BP Statistical Review of World Energy, 2009

EIA, (2007), Country Analysis Briefs, Caspian Sea, January 2007.

EIA, (2007), US and Central Asian Roles in Global Energy Markets, US -Turkmenistan Energy Roundtable, Washington, DC, September.

Kalin Yasin, (2005), The Implications of the EU Admittance of Turkey on Turkish-EU Relations and Turkish-U.S. Relations. Strategy Research Project , U.S.Army War College, Carlisle Barracks, Carlisle. USAWC STRATEGY RESEARCH PROJECT.

Lenore, Martin and Dimitris Keridis , (2004), The Future of Turkish Foreign Policy, London: The MIT Press.

Lesser, Jan, (2007), Western Interest in Changing Turkey, Rand Center for Middle East Public Policy.

Lewis, Bernard, (2007), the Emergence of Modern Turkey, London, New York: of Oxford University Press.

Toprak, Binnaz, (1988), The State, Politics and Religion In Turkey, London , Walter Press.

Wendt, A, 1992," Anarchy is What States Make of IT, The social Construction of Power Politics," International Organization, Vol, 46, No, 2, pp 391- 425.

Yalman , Nur,(2009), Islamic Reform and mystic tradition in eastern turkey, London.